با ابرچالش کم‌آبی چه باید کرد؟

عکس: امیرعلی رزاقی، مهر

ادامه از صفحه ۴

در چند روز گذشته شاهد اعتراضات اصفهان بودیم که بازخورد زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت و چند روز است در چهارمحال‌وبختیاری شاهد تجمعات هستیم. چقدر امیدوار هستید این اعتراضات به پاسخ منطقی برای مدیریت کلان منابع آب منتهی شود و توصیف شما از این چند روز چیست؟

تاجزاده: این تظاهرات سابقه داشته اما در حال ورود به مرحله جدیدی از بروز اعتراضات مردمی هستیم که جمهوری اسلامی باید خودش را آماده کند برای نحوه دیگری از مواجهه با آنها و باید به‌سرعت به سمت تعامل برود؛ کمااینکه در روزهای اخیر برخورد مثبتی داشته‌اند. واقعیت این است که شرایط کشورمان شاهد انباشت است؛ از محیط زیست، آب‌وهوا تا گسترش فساد و مشکلات اقتصادی. دوم شاهد کاهش مقبولیت هستیم و نمونه‌اش در دو انتخابات اخیر است که کمتر از ۵۰ درصد شرکت کردند که پیام بدی دارد که سیستم را ضعیف می‌کند. سوم متأسفانه اغلب شهروندان چشم‌انداز روشنی در پیش‌رو نمی‌بینند که بتوانند با مشکلات کنار بیایند و چند سال بعد مشکلات حل شود. پدیده بسیار مهم و خطرناک این است که علاوه بر سیستم، شاهد کاهش مرجعیت نهادهای سنتی و مدرن هستیم که جامعه تابه‌حال نگاه مثبتی به آنها داشت که در حال کم‌شدن است؛ از سیستم‌های آموزشی تا روحانیت و صداوسیما. این به قشرها و احزاب هم تعمیم یافته است، افراد سیاسی که جای خود را دارد. چهره‌های فرهنگی، علمی و هنری‌مان هم از این جهت نسبت به گذشته با این وضع هستند که می‌تواند برای جامعه خطرناک باشد اگر به نحو عاقلانه‌ای با آن مواجه نشویم. مورد بعدی این است که نه‌تنها شاهد افزایش ناراحتی‌ها در زمینه‌های مختلف هستیم، شاهد بروز آنها نیز هستیم. در واقع متن مردم به صحنه آمده و اعتراض می‌کنند. این اقداماتی را که انجام شد نمی‌توان به بیگانه منتسب کرد، نمی‌توان تجزیه‌طلبانه خواند و نه می‌شود حتی گفت یک جریان خاص سیاسی پشتش هست و مهم‌تر از همه اینکه به‌هیچ‌وجه نمی‌شود نادیده گرفت یا با باج کوتاه‌مدت آرامشان کرد که فکر کنیم تا چند سال آینده خبری نخواهد بود. این مشکلات گاهی از یک جای کشور بیرون می‌زند و شکل جدیدی از نارضایتی‌ها را در شکل اعتراضات مدنی می‌بینیم که این جنبه‌اش بسیار مثبت است؛ یعنی عقلانیت خیلی خوبی را در جامعه مدنی می‌بینیم. جامعه در مجموع عاقلانه رفتار می‌کند. مشکلات نیز همچنان که دوستان برشمردند، مشکلاتی نیست که کسی بتواند ادعا کند در کوتاه‌مدت پاسخ قاطع خواهد داد. مشکلاتی است که جز با کمک از نخبگان کشور برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ملی در بالا و در پایین هم با جلب مشارکت، اقناع و رضایت مردم باید به سمت حلشان برویم؛ چون تحقق مطالباتی که مردم در این نوع اعتراضات دارند، منوط به این است که محدودیت برای دیگری ایجاد شود و این‌طور نیست که بشود با یک بازی برد-باخت داستان را با دادن چند امتیاز حل کرد. اگر کفه به یک سمت سنگین‌تر شود، طرف دیگر اعتراض می‌کند و هیچ چاره‌ای نیست جز اینکه به سمت تدوین برنامه و نگاه ملی برویم که بخشی تخصصی است در زمینه مشکلاتی که داریم و بخشی سیاسی است که باید در سطح کلان حل شود و ریشه‌اش برمی‌گردد به اینکه متأسفانه در زمان شاه نگاه بلندمدت در این زمینه نداشتیم که همه بپذیرند و به آن وفادار باشند و حالا این نابسامانی تشدید شده و همه هم در این وضعیت سهیم بوده‌ایم. الان در وضعیتی هستیم که جز با تغییر ریل نمی‌توانیم از پس این مشکلات بربیاییم. اگر بخواهیم به شکل گذشته عمل کنیم، روز به روز مشکلات بیشتر خواهد شد. در کنار نبود نگاه استراتژیک، مشکلی ویژه هم در سال‌های اخیر داشتیم و نگاه به امنیت و منافع ملی به‌گونه‌ای بوده که فرصت‌های بسیاری را برای حل مشکلات مردم و جلب رضایتشان از دست داده‌ایم و اگر این رویه ادامه داشته باشد خطرناک است و راهش تغییر ریل راهبردی کشور، مهربان‌شدن با تجربیات جهانی و کنارگذاشتن بدبینی به دنیا و انضباط تعریف‌کردن و دیدن آنچه بشر امروز در مواجهه با این مشکلات تجربیات گران‌بهایی کسب کرده، است و می‌توانیم با استفاده از آنها مشکلات را مهار کنیم.

به نظرتان از کجا دچار انحراف در مسئله آب شدیم و مسئله امروز زاینده‌رود چیست که باعث بروز اعتراضات و توجه افکار عمومی شده است؟

فاضلی: مسئله زاینده‌رود این است که در مسیر تاریخ ۴۰، ۵۰ساله منابع کاهش پیدا کرده و مصارف افزایش یافته است. در حوزه زاینده‌رود از میانگین بلندمدت مثلا ۱۴۸۰ میلیون مترمکعب، امروز در بازه ۱۲ساله به ۱۱۰۰ میلیون مترمکعب رسیده‌ایم. یعنی ۱۳۸۰ میلیون مترمکعب منابع زاینده‌رود کاهش پیدا کرده است. ۲۳۰ میلی‌متر هم متوسط کاهش ۱۲سال اخیر بارندگی‌هاست. بر اساس مثلا ایستگاه چهل‌گرد. در همین بازه زمانی از زمان ملی‌شدن آب در سال ۴۷ در کل حوزه که از زاینده‌رود استفاده می‌کردند ۶۰ هزار هکتار کشاورزی داشتیم و در چهارمحال‌وبختیاری هم شش هزار هکتار کشاورزی داشتیم؛ یعنی جمعا ۶۶ هزار هکتار در سال ۴۷ در حوزه زاینده‌رود کشاورزی داشتیم. امروز در حوزه زاینده‌رود فقط در اصفهان ۱۶۰ هزار هکتار کشاورزی داریم. با اینکه این بحران را هم داریم چهار هزار هکتار نیز طرح توسعه جدید برای افزایش کشت داریم. در حوزه چهارمحال، ۴۸ هزار هکتار کشاورزی داریم و سرجمع ۶۶ هزار هکتار سال ۴۷ به ۲۰۸ هزار هکتار یعنی تقریبا سه برابر رسیده است. ۱۴هزار هکتار هم طرح توسعه داریم. میزان عدم عقلانیت را می‌توانید اینجا ببینید. به بحران خورده‌ایم، مردم کف رودخانه هستند، کشاورزی سه برابر شده و ۱۴ هزار هکتار هم طرح توسعه کشاورزی داریم. در همین بازه زمانی بر اساس ایستگاه چهل‌گرد اگر ۴۶ سال اخیر را دقت کنید روند تغییرات بارشی از حدود ۱۵۰۰ میلی‌متر به حدود ۱۸۰ میلی‌متر رسیده؛ یعنی حدود ۳۲۰ میلی‌متر اینجا کاهش بارش داریم. در همین بازه دما بر اساس ایستگاه کوهرنگ در ۳۱ سال اخیر حدودا از ۹ به ۱.۷ رسیده پس هوا گرم شده، بارش کمتر شده، سطح زیر کشت سه برابر شده و نهایتا مقدار آب در دسترس از حدود ۱۵۰۰ به حدود ۱۱۹۸ در ۱۲ سال اخیر کاهش پیدا کرده است. شاخص خیلی روشن است. در سال‌های ۵۱ تا ۶۰ وقتی به پایان سال آبی در شهریور می‌رسیدید، در سد زاینده‌رود حدود یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب بود.

در سال‌های ۶۱ تا ۷۰ یعنی ۱۰ سال دوم را دقت کنید، آب در شهریور در سد زاینده‌رود ۹۶۳ می‌شود. دهه ۷۱ تا ۸۰ مقدار آب به به ۷۷۴ تا می‌رسد. ۸۱ تا ۹۰، ۶۰۲ و الان در پایان شهریور، در حوزه زاینده‌رود پشت سد زاینده‌رود ۲۷۱ میانگین آبی است که می‌ماند؛ یعنی بین سال‌های ۶۰ تا ۱۴۰۰ در ۴۰ سال، آب پشت سد از ۱۱۰۰ میلیارد مترمکعب به ۲۷۱ یعنی یک‌سوم می‌رسد. در همین بازه زمانی جمعیت در حوزه به حدود پنج میلیون نفر در سه استان اصفهان، یزد و چهارمحال‌وبختیاری رسیده و این وضعیت بحران زاینده‌رود را پدید آورده و در همین شرایط مجموعه‌ای از ذی‌نفعان گسترده وجود دارند. ما حتی این عدد و رقم‌ها را با جامعه زاینده‌رود، یعنی سه استانی که درگیرش هستند، به اشتراک نگذاشته‌ایم تا مسئله را تعریف کرده باشیم. زاینده‌رود ۴۰۰ کیلومتر است که درباره‌اش صحبت می‌کنیم. از سرچشمه تا سد با یک زاینده‌رود مواجهیم. از سد تا چم‌آسمان که حدود ۱۱۲ کیلومتر است، با یک زاینده‌رود مواجهیم که تقریبا هیچ‌وقت خشک نشده است. از چم‌آسمان ایستگاه آبگیری است که آب اصفهان و یزد آبگیری می‌شود. از چم‌آسمان تا اصفهان یک رودخانه را شاهدیم. از اصفهان به سمت تالاب ورزنه و شرق اصفهان هم با یک رودخانه مواجهیم. در این مسیر ما با چند نوع ذی‌نفع مواجهیم. ذی‌نفع کشاورزی در چهارمحال، ذی‌نفع کشاورزی در غرب اصفهان، آب شهروند، آب شرب، شرب و بهداشت در کل حوزه، آب کشاورزی در شرق اصفهان، فضای سبز، صنایع و محیط زیست. امروز وقتی حرف از این می‌زنیم که رودخانه را احیا کنیم، طبق آماری که من گرفته‌ام برای اینکه آب در زاینده‌رود در یک سال پایدار بماند، حقابه محیط‌زیستی زاینده‌رود ۱۷۶ میلیون مترمکعب است. تصور کنید امروز رودخانه‌ای دارید که میانگین ۱۵ سال اخیرش ماکسیمم ۱۲۰۰ تا آب دارد. در این ۱۲۰۰ تا، ۴۰۰ تا را به آب شرب و بهداشت اصفهان و یزد داده‌ایم که ۷۰ تا برای یزد و ۳۳۰ اصفهان است. اگر بخواهید رودخانه را احیا کنید ۱۷۶تا باید به محیط زیست بدهید که می‌شود ۵۷۶ تا اینجا احتیاج داریم. ۷۰ تا به صنایع اصفهان داده‌ایم، با ۵۷۶ تا حدودا می‌شود ۶۴۰ تا. در این ۶۴۰ تا مجموع ۲۰۰ هزار هکتاری که در مجموع رودخانه کشت تعریف شده، تخصیص داده شده به اینها یک‌میلیاردو ۸۵ میلیون مترمکعب است؛ یعنی ۱۰۸۵ تا. به عبارتی شما یک رودخانه دارید که در سال‌های میانگین ۱۵سال اخیر حدود ۱۲۰۰ تا آب دارد. یادتان باشد شما سال ۹۷ را هم دارید که زاینده‌رود کلا ۵۵۰ تا آب داشته است. حالا با رودخانه‌ای میانگین ۱۲۰۰تایی مواجهید که اگر بخواهیم با محیط زیست تعریف کنیم حدود ۱۷۰۰ تا کاربری تعریف کرده‌ایم. شما ۵۰۰ میلیون مترمکعب در زاینده‌رود کمبود دارید. حالا قرار است این ۵۵۰ میلیون مترمکعب را چطور تأمین کنید. حرف من این است که می‌گویم مسئله زاینده‌رود نه در طول رودخانه تعریف شده و نه به لحاظ داده‌ها بین ذی‌نفعان تعریف نشده و بین کسانی که راه‌حل‌های عجیبی اعم از انتقال آب و آب‌بردن از دریا دارند. آب‌بردن از دریا یعنی هر مترمکعب ۲.۸ یورو. شما با آب سه یورویی قرار است کشاورزی کنید یا آب شرب اصفهان را تأمین کنید که برای هر مترمکعب ۶۷۰ تومان از مردم پول می‌گیرید. اینکه تعریف نشده. یک عده هستند مثل قدیم راهکارهای سازه‌ای را بلد هستند و چون برای خودشان منفعت دارد هم فکر می‌کنند کار را بلد هستند.

در این شرایط آیا هیچ امکانی برای مدیریت کوتاه‌مدت و حداقل کم‌کردن دامنه بحران در کوتاه‌مدت وجود دارد؟

میدری: در کنار بحران‌هایی که دوستان گفتند حداقل می‌دانم در خوزستان و سایر نقاط کشور امکانات تحولی خوبی داریم. تأکید من این است که می‌توانیم ائتلاف‌های داخلی و بین‌المللی تشکیل دهیم. همان‌طور که دوستان نقدهای درستی به دولت دارند، رفتار جامعه مدنی و روشنفکران ما عقلانی نیست. اینکه در خوزستان شلوغ می‌شود تمام هنرمندان به خانه هنر می‌ریزند، سه هفته بعد راه‌حل دولت این است که آب پشت سد را باز می‌کند. سال آینده دوباره همین موقعیت پیش می‌آید. این نمی‌شود که جامعه به بحران می‌رسد، نقدها به دولت وارد است، ولی ما هیچ برنامه و شبکه‌سازی و کار مدنی انجام نمی‌دهیم و تنها کارمان این است که در اوج بحران‌ها شروع به مقاله‌نوشتن می‌کنیم. این نمی‌تواند مسئله را حل کند. قدرت چانه‌زنی هم که من اشاره کردم به این شکل است. بر اساس آماری که وجود دارد متوسط رشد جمعیت کشور در ۶۰ سال گذشته ۱.۲ بوده، در استان اصفهان و یزد به چهار درصد می‌رسد. این تمرکز صنعتی جمعیتی در کشور بحران ایجاد کرده است. در اصفهان، یزد و به‌ویژه تهران به‌دلیل جذابیت‌های اقتصادی که ایجاد کرده‌ایم جمعیت از حاشیه به اینجا می‌آید. دلیلش می‌تواند خلاقیت مردم، مسائل جنگ و مسائل پایدار مختلف بوده اما اگر نخواهیم توزیع جغرافیایی را در کشور تغییر دهیم که به نظرم این مسئله در کنار اینکه دولت خیلی کار می‌توانست بکند اما پتروشیمی‌ها، صنایع فولاد سنگین همه باید به کنار دریا برود. یا توسعه پیدا نکند. ما بر اساس قدرت چانه‌زنی که یک نماینده مجلس پتروشیمی را به استان خراسان برده، جایی که اصلا اقلیم جواب نمی‌دهد، بنابراین تأکید من این است که یک سیستم اداری یک تصمیم اشتباه می‌گیرد، مثلا آب دریاچه ارومیه کم می‌شود، می‌خواهند از سبلان آب شیرین به دریاچه ارومیه بیاورند. اگر جلوی این تصمیمات نادرست سیستم اداری ایران گرفته شود باید در دل جامعه مدنی تغییر ایجاد شود و حل بحران از اینجاست. باید به دولت نصیحت کنیم. به نظرم گفتنش مشکل زیادی را حل نمی‌کند و بر اساس منطق مشخص فشار و ایجاد راه‌حل‌های کوتاه‌مدت تصمیم‌گیری می‌کند و اگر منابعی داشته باشد راه‌حل‌های دیگری پیدا می‌کند، اما تغییر را باید به جامعه برگردانیم.

آقای مدنی، همچنان که شنیدید آقای میدری معتقدند بخشی از دامنه بحران آب را می‌توان در کوتاه‌مدت مدیریت کرد؛ نظر شما چیست؟

مدنی: در وضعیت ورشکستگی با تفاوت فاحش بین منابع و مصارف مواجهیم. دکتر فاضلی عددهای خوبی گفتند و من را یاد این داستان انداختند که سال ۹۵ با گروه خارجی چند روزی جلسه بودیم با شعار از سراب تا پایاب در زاینده‌رود. در اصفهان دوستان دنبال راه‌حل هیجانی بودند که یک‌شبه موضوع حل شود. بعد از دو، سه روز گروه محققان خارجی گفتند شما هنوز حسابداری آب نکرده‌ید چطور می‌خواهید موضوع را حل کنید. الان پنج سال گذشته و ما هنوز کاری نکرده‌ایم. من در کمیته تخصیص زاینده‌رود بودم و می‌گفتم حداقل اندازه بگیرید چه مقدار آب به کجاها داده می‌شود. دوستان به مواردی که نشان از بدمصرفی دارد اشاره کردند. مصرفی که با آن عملا اشتغال‌زایی می‌کنیم، ارزش افزوده مختصر ایجاد می‌کنیم، یک‌سری کار می‌کنند اما محیط زیست از بین می‌رود. اما کدام یکی از مواردی که گفته‌شده را یکی از استانداران جرئت دارد رویش دست بگذارد. کدام‌یک از موارد را یکی از نمایندگان مجلس از حوزه انتخابی که این اتفاقات می‌افتد حاضر است به نفع منافع ملی اقدام کند و بگوید من در حوزه خودم کاری می‌کنم که مصرف آب بهینه شود. ما از این به بعد فلان چیز را نمی‌کاریم یا این صنعت را اینجا تعطیل می‌کنیم. هیچ‌کدام از اینها در بازی سیاسی اجرائی نخواهد شد؛ چون هیچ سیاست‌مداری جرئت نخواهد داشت این کار را بکند. اگر هم بکند باید با میزش خداحافظی کند که خاصیت سیاست‌مداران نیست. در جهان هم همین است. محیط زیست هر کاری برایش بکنید اثرات مثبتش آنی نخواهد بود؛ یعنی برای مردم مشهود نخواهد بود که کار شما چه اثری دارد. پاداش آنی برای شما نخواهد داشت. برای شما هزینه سیاسی آنی به اضافه هزینه‌های تحمیلی به مردم خواهد بود. اگر بخواهید قیمت آب و برق را عوض کنید، فلان صنعت را تعطیل کنید یک اتفاق می‌افتد. پس کسی در جهان به همین راحتی برای محیط زیست حاضر به هزینه‌دادن نیست. سیاست‌مداران دنیا کنار هم که جمع می‌شوند نهایتا یک‌سری قول‌ها می‌دهند از جنس درازمدت و عملا خودشان را درگیر نمی‌کنند؛ چون می‌دانند برای هرکدامشان باید هزینه زیادی بدهند. در نهایت بازی می‌شود همین بازی خسارت و مدیریت خشم. شما می‌گویید به کشاورز قول‌هایی می‌دهیم، پروژه عمرانی تعریف می‌کنیم و اگر نمی‌گذارند از چهارمحال‌وبختیاری آب بیاوریم، از سواحل جنوب آب می‌آوریم. مدیری هم که مستأصل می‌شود به این قضیه تن درمی‌دهد؛ چون می‌خواهد بالاخره یک کاری انجام دهد. اگر مدیری بگوید من می‌خواهم دو، سه سال مطالعه کنم، تقریبا در سراسر ایران همین‌طور است. در حوزه دریاچه ارومیه هم این همه کار شده هنوز یک روایت واحد نداریم. برای مدیر کلنگ‌زدن خیلی راحت‌تر است تا درگیرشدن با جماعت کشاورز. چرا دولت این تجمعات را تحمل می‌کند چون می‌داند درافتادن با کشاورزان چه هزینه‌ای می‌تواند داشته باشد. سال ۹۶ در کمیته تخصصی شورای عالی آب شرق اصفهان خیلی شلوغ بود، گزارش‌های امنیتی این بود که وضعیت بسیار خراب است، نماینده سازمان برنامه، معاون وزیر کشاورزی و وزیر نیرو هم بودند و نهایتا بحث خسارت بود. می‌گفتم امسال Aریال خسارت می‌دهیم، سال بعد باید چه کار کنیم. اگر مشکل همین باشد باید بیشتر هزینه کنیم. اینکه نمی‌شود خسارت بدهیم، پس هزینه‌های بنیادی مثل معیشت جایگزین انجام دهیم. امسال 2A ریال خرج کنیم اما مسئله را حل کنیم. شاید سیاست من غلط بود چون دوستان قمار کردند و دو سال بعد هم باران آمد و مشکلات خیلی کم شد، اما این تصمیمات آسان نیستند؛ از لحاظ سیاسی این تصمیمات بسیار هزینه دارند و هرچه دیگر تصمیمات گرفته شود هزینه‌ها بیشتر می‌شود چون مملکت را وارد کوچه بن‌بست می‌کنیم. اینکه گفته می‌شود ما اطلاعات جدیدی به دولت نداده‌ایم درست است. وقتی مسئله به قول دکتر فاضلی تعریف نشده است، روایت‌ها متعدد می‌شوند. همین اعداد را می‌توانید جوری روایت کنید که نتیجه خاصی بگیرید و یک روایت که درست در اختیار مردم گذاشته شود و نتیجه غلطی گرفته شود چون روایت کامل‌دادن در این شرایط خیلی سخت است. اما باور کنید بسیاری از مدیران در بدنه دولت تصویر درستی از مسائل ندارند. اتفاقا این فشارها کمک می‌کند چند نفر دستشان موقع امضاکردن و نامه‌نوشتن بلرزد و اینجا جامعه و فشارها کمک می‌کند. اما کنشگری هم باید سازنده باشد؛ اگر به سمت خشونت و اختلافات منطقه‌ای بین مردم برود برای کشور خیلی خطرناک است.

دکتر فاضلی به ارقام مفصل و خوبی اشاره کردند که مورد اشاره آقای مدنی هم قرار گرفتند. آقای تابش روایت‌هایی که از این اعداد نگران‌کننده شنیدیم، در دوره تصمیم‌گیری برای سدسازی‌ها چطور بود؟ آن دوره بر اساس چه آمارهایی برای مدیریت منابع آب کشور تصمیم گرفته می‌شد؟ چون الان خروجی آن تصمیم‌ها را می‌بینیم.

تابش: یک‌سری مشاوران هستند که مطالعات هیدرولوژی انجام می‌دهند که در نقطه‌ای که سد ساخته می‌شود باید آب برای ذخیره‌کردن باشد. طیفی از پروژه‌هایی داریم که مشکلات آنچنان که باید در نظر گرفته نشده، پروژه‌هایی هم هستند که خیلی خوب عمل کرده‌اند و الان که درباره زاینده‌رود صحبت می‌کنیم اگر سد زاینده‌رود نبود همین مقدار تنظیمی که دوستان اشاره کردند هم اتفاق نمی‌افتاد. یعنی نفی کلی اینکه کار سازه‌ای مطلقا نباید بکنیم خطاست. در خوزستان سدهایی که داریم منابع و مصارف اعداد و ارقامش با اصفهانی‌ها خیلی متفاوت است. صحبت این است که در سال‌های پرآبی تا ۵۰ میلیارد مترمکعب در سال ۹۸ آورد رودخانه‌ها بوده و عملکرد سدها بوده که باعث شده پایین‌دست سدها را از سیلاب ایمن کنیم. مشکل کنونی ما این نیست که اعداد و ارقام زمان ساخت سدها دیده شده یا نه، بالاخره اقدامات سازه‌ای هم کنار بقیه اقدامات در توسعه کشاورزی و صنعت ممکن است جاهایی اشکالاتی داشته باشد، جاهایی هم عملکرد خوبی داشته باشد؛ منتها بین منابع و مصارف عدم تعادل داریم. مصارف خیلی بیشتر است و باید این را مدیریت کنیم. دکتر میدری به درستی به مواردی اشاره کردند. نکته‌ای هم که دکتر مدنی می‌گویند که مشکل است و سیاست‌مداران سراغش نمی‌روند، حرف درستی است. الان مشکلمان این است که حاکمیتی باید این مسائل را حل کند که با ارگان‌های دیگری هم مواجه است. به نظرم اینجا بحران علیحده هم داریم. اگر در سیاست خارجی ممکن است در جامعه یک نوع اجماع وجود داشته باشد در نقد برخی از رفتارهای حاکمیت، در بحث آب در مناطق مختلف این یکپارچگی شکسته می‌شود.

چند سال قبل درگیر پروژه‌ای مربوط به زاینده‌رود بودیم، سد کوهرنگ۳ را می‌ساختند، کار این سد این است که آب را در تونل کوهرنگ۳ بیندازد که ۲۰ سال ساختنش طول کشیده است. به خوب و بد بودن این کار کاری ندارم. این سد را آب منطقه‌ای اصفهان در منطقه چهارمحال می‌ساخت. تمام مقامات محلی در چهارمحال‌وبختیاری از دادگاه، محیط زیست، آب و... و جامعه مدنی علیه این کار بودند، اصفهانی‌ها را متجاوز می‌دانستند. فقط فرماندار چهل‌گرد که مشکل اشتغال کارگرانش را داشت گاهی حمایت می‌کرد که این پروژه انجام شود. تقریبا یک سیستم دولتی خودش برای خودش مانع ایجاد می‌کرد. الان در اکثر استان‌هایمان یک نوع حرکت‌های منافع محلی و استانی جای بحث‌های ملی را گرفته. اعدادی که دکتر فاضلی گفتند درست است. حتی از مسئول حوضه زاینده‌رود مصاحبه‌ای خواندم که اعداد وخیم‌تر از این بود. به هر حال باید به سمت حل این مشکل برویم، اما چه نوع حکمرانی و حاکمیتی می‌تواند این مسائل را پشت سر بگذارد؟ حکمرانی‌ای که بتواند اعتماد مردم و ذی‌نفعان و مشارکتشان را جلب کند. اینکه به کشاورز بگوییم کشت نکن چون آب نیست، کسی را که ۲۰ سال درگیر این کار بوده نمی‌توان به راحتی متقاعد کرد. در مورد صنایع اصفهان هم بالاخره باید اراده‌ای باشد که بگوید اینها باید به کنار دریا منتقل شوند. اطلاع دارم در شرکت‌های فولاد و ذوب‌آهن طرح‌های توسعه مطرح است؛ چون پول دارند و خیلی هم کسی نظارت جدی‌ای ندارد. الان یکی از درآمدهای جدی آب منطقه اصفهان فروش آب به اینهاست. یعنی حاضر نیستند این منبع را به راحتی از دست بدهند و منافع در سطح واحدهای استانی و محلی آمده و نگاه ملی مطلقا راهی برای هماهنگی و شروع این حرکت ندارد. در این جهت باید بیشتر صحبت شود و برویم به سمت اینکه اجماعی بین نخبگان ایجاد شود. واقعیت این است که نخبگان هم وقتی می‌خواهند روی مسئله‌ای بحث کنند، دست می‌گذارند روی مسائلی که جنبه اصلی ندارد؛ مثلا سدهایی که ۳۰ سال قبل ساخته شده است. روی اینها موضع‌گرفتن کمکی نمی‌کند. نمی‌گویم گذشته را نقد نکنیم، اما آدرس‌های داده‌شده ما را از مدیریت مصرف و قدم‌های سختی که باید برای این کار برداشته شود دور می‌کند.

آقای تابش به لزوم گفت‌وگو بین گروه‌های مختلف و نخبگان اشاره کردند. چقدر در سیاست‌های منطقه‌ای شما برای این موضوع کار کردید؟ مذاکره جدی که به وفاق منطقه‌ای برسد را انجام داده‌اید؟

طالبی: در استان یزد با توجه به ذهنیت‌هایی که وجود داشت که بعضا با واقعیت موجود فاصله زیادی داشت همه تلاشمان را کردیم تا واقعیت‌ها را نشان دهیم. مثلا در مورد حجم آبی که به استان یزد می‌آمد، بزرگ‌نمایی زیادی شده بود که سعی کردیم با آمار بیان کنیم و مقایسه‌ای که با سایر تخصیص‌های زاینده‌رود وجود داشت تا مردم بدانند پنج درصد خروجی زاینده‌رود به استان یزد می‌آید. یا مثلا ذهنیت‌هایی که می‌گفت آب در کشاورزی استان یزد مصرف می‌شود که ما عمومی انتشار دادیم، گروه‌هایی از تشکل‌های استان اصفهان و نمایندگان اصفهان در مجلس حتی یزد را دیدند و مطمئن شدند از آب انتقالی به یزد حتی قطره‌ای در کشاورزی استفاده نمی‌شود. ذهنیت‌هایی که در مورد مصرف آب در بخش صنعت بود، با ارائه گزارش‌ها و آمارها تا حدود زیادی برطرف کردیم و فکر می‌کنم برای استان یزد این‌گونه دیالوگ‌ها در سطح کشور بتواند کمک کند برای اینکه فکر نمی‌کنم در هیچ جای ایران کسی با انتقال آب برای شرب مردم مخالف باشد. در اعتراضاتی که بود دیدیم که حداقل در بیان شعارهایشان مشکل و مخالفتی با انتقال آب برای شرب وجود نداشت. این گفت‌وگوها می‌تواند به رفع خطر از انتقال آب به یزد کمک کند که برای شرب استفاده می‌شود. از طرف دیگر این گفت‌وگوها می‌تواند به پیداکردن راه‌حل‌های بهتر برای مشکلات معیشتی و کشاورزی استان اصفهان کمک کند و من به‌طور جدی معتقد هستم منطقه شرق اصفهان را می‌توان به لحاظ اقتصادی ارتقا داد، پتانسیل‌های خوبی به لحاظ کشاورزی پیشرفته و تغییر الگوی کشت وجود دارد و ظرفیت‌های خوبی هم برای بخش صنعت وجود دارد که بتواند اشتغال مناسبی برای مردم منطقه فراهم کند. اگر نظام حکمرانی مناسبی را در حوزه آب در کشور طراحی کنیم، با آب موجود هم می‌توانیم حداقل نیازهای ضروری را در حوزه شرب و کشاورزی برطرف کنیم.

طرح انتقال آب زاینده‌رود به چغارت و بافت برای صنعت سال ۸۸ افتتاح شده؛ الان این طرح در چه مرحله‌ای است؟

طالبی: در استان یزد ابتدا که می‌خواستند آب را بیاورند مشارکت صنایع را برای تأمین هزینه‌های انتقال آب داشتیم که قرار بود ۲۰ درصد از آب انتقالی به یزد صرف صنعت شود، اما در استان به جهت کمبود شدید آب شرب یزد، آب را در استان جابه‌جا کردند. یعنی از منابع بی‌کیفیت داخل استان برای آب بخش صنعت گذاشتیم و همچنین پساب حاصله از آب شرب و بهداشت را به صنعت تخصیص دادیم و آبی که انتقال پیدا می‌کرد حدود صد درصدش در بخش شرب استان استفاده می‌شود. بخشی از صنایع هم خط انتقال آب از خلیج فارس را اجرا کردند و الان به میزان خیلی محدود می‌آید؛ اما این خط امکان ارتقا دارد که بتوانیم آب بیشتری را برای صنعت از خلیج فارس بیاوریم. بنابراین خط انتقال اصفهان کلا برای مصرف شرب و بهداشت گذاشته شده است.

رحمانیان: تشکر می‌کنم از همه میهمانان عزیز که امشب در گفت‌وگو شرکت کردند و نکات بسیار ارزشمندی را گفتند و همین‌طور مخاطبانی که شنونده بحث بودند. چند مؤلفه را باید مورد توجه قرار دهیم. اولا اینکه بحث آب الان در کشور ما یک ابرچالش است و همه باید قبول کنیم وگرنه راهی برای برون‌رفت از آن نخواهیم داشت. دوم اینکه این ابرچالش در کوتاه‌مدت به وجود نیامده و انتظار حل آن را در کوتاه‌مدت هم نباید داشته باشیم. سوم اینکه این مسئله فراقومی، فراجناحی و غیرسیاسی است و اگر مسئله را قومی و سیاسی کنیم حتما راه‌حل نخواهد داشت. به گمانم همه باید درگیر این مسئله شوند و حکومت و جامعه باید از خرد جمعی پیروی کنیم تا بتوانیم از این گردنه بسیار سخت عبور کنیم. البته در حال حاضر بخش بزرگی از جهان درگیر بی‌آبی است. ما علاوه بر اینکه درگیر بی‌آبی هستیم متأسفانه درگیر بی‌تدبیری هم هستیم. حتما باید این مسئله را با تدبیر حل کنیم و نیازمند ادامه این جلسات و استفاده از صاحب‌نظران دیگر، دولتی‌ها و مجلسی‌ها هستیم که بتوانیم برای عبور از این معضل به خوبی راه‌حلی پیدا کنیم. امیدوارم بتوانیم بحث‌ها را ادامه دهیم و در آینده نزدیک به راهکار برسیم.

خبر

تأیید صادرات نخل‌های ایرانی به قطر

قطر نخل‌های بوشهر را پس زد

شرق: اگر نگران نخل‌های ایرانی بودید که به قطر رفته‌اند، دیگر نگران نباشید، قطر نخل‌ها را پس زد و حالا نخل‌های ایرانی در حال بازگشت به کشور هستند. روز گذشته معاون فنی گمرک تأیید کرد که نخل به قطر صادر شده؛ امری که تاکنون و با وجود گزارش‌های فراوان رسانه‌ای از سوی گمرک تأیید نشده بود. به‌هرحال قطری‌ها مشتری از کار درنیامدند و نخل‌ها را پس فرستادند؛ یعنی سخنان مهرداد ارونقی از این حکایت دارد که نخل‌های صادراتی از سوی قطر پذیرفته نشده است. او گفت که با وجود صادرات صورت‌گرفته تعداد کل نخل‌های صادرشده یعنی مجموع ۵۸۸ اصله به قطر، به ایران برگشت خورده است. به گفته ارونقی «بعد از برگشت‌خوردن نخل‌ها، صاحب کالا بار دیگر نسبت به اظهار این محموله‌ها از محل اظهارنامه صادرات برگشتی تحت عنوان کالای صادرات برگشتی اقدام و مجددا مجوزهای لازم ازجمله قرنطینه سازمان جهاد کشاورزی استان را اخذ کرده و در حال انجام تشریفات برای ورود به کشور است». پیش از این با انتشار فیلم‌هایی در فضای مجازی که بارگیری نخل‌ها را نشان می‌داد، غائله به پا شد و شبکه استانی بوشهر با انتشار گزارشی تصویری به ماجرا دامن زد. در این فیلم کشاورزی به خبرنگار می‌گوید ۲۰ نفر از نخل‌هایش را به علت بی‌آبی فروخته است و اگر می‌شد همه را می‌فروخت. درباره قیمت هم با لحنی که انگار یعنی مفت، می‌گوید یک میلیون و نیم. اظهارات ضدونقیض مسئولان دراین‌باره سبب ابهام در این زمینه شد. ماجرا از روز ۱۷ آبان به رسانه‌های رسمی رسید. در این روز گزارش‌هایی منتشر شد که در آن مسئولان محلی فروش نخل به قطر را تأیید کردند اما یکی می‌گفت فروش این نخل‌ها سرخود بوده است و دیگری می‌گفت کلا یک نفر ۱۸ نخل خود را فروخته آن هم به این دلیل که مثمر نبودند. مسئول دیگری گفت امسال به‌دلیل خشک‌سالی و نزدیکی برگزاری جام جهانی این روند بالا گرفته است و بیش از سه هزار نخل تاکنون قطع شده و به قطر رفته و این به‌دلیل شمار زیاد مجوزهایی است که جهاد کشاورزی صادر می‌کند. «شرق» با پیگیری ماجرا به نقطه‌ای رسید که صادرات درخت‌ها را تأیید می‌کرد، اما مسئولان مربوطه معتقد بودند این موضوع نظر به غیرمثمربودن نخل‌ها بلااشکال است. ازجمله «احمد مستعان»، رئیس پژوهشکده

خرما و میوه‌های گرمسیری، در گفت‌وگو با «شرق» درباره جنجالی‌شدن موضوعف آن را رفتار طبیعی شبکه‌های اجتماعی دانست که موضوعات را سریع داغ و احساسی می‌کنند که بعضا بحق هم هست اما مسائل را با هم خلط می‌کنند. او معتقد است این کار کاملا اقتصادی است و اصلا بحث محیط زیست و منابع طبیعی در آن دخالت ندارد. مثل اینکه کشاورزی بخواهد به جای سیب که برایش صرفه ندارد، میوه دیگری بکارد که می‌صرفد. تصمیم شخصی است و کسی نمی‌تواند بگوید چرا. او همچنین گفت دو موضوع هست که باید تفکیک شوند؛ یکی جنبه اقتصادی که توضیح داده شد؛ مثلا نخلی که این‌قدر بلند شده که دیگر برداشت نمی‌شود کرد، ماندنش چه فایده‌ای دارد؟ یک زمانی هست که محیط دچار تغییر می‌شود، مثلا کم‌آبی است و مربوط به محیط زیست می‌شود که در این مورد نیست. کسانی که از آتش دورند این مسائل را خلط می‌کنند. باغدار باید پول درباورد. باغدار بی‌پول که نمی‌خواهیم! اما بُعد دیگر حاکمیتی است. سربسته بگوییم چیزی را که باارزش باشد، ما صادر نمی‌کنیم. خیالتان را راحت کنم اگر نخلی سودده باشد باغدار اجازه نمی‌دهد نزدیک نخلش بروید! در بعد حاکمیتی هم ما ارقامی داریم که به ما می‌گوید چه کاری استفاده دارد. امسال بعد از گذراندن هزار خان یک رقم کوچکی نخل صادر شد.

البته سخنان سربسته آقای مستعان گویا به گوش قطری‌ها هم رسیده و آنها نخل‌ها را برگشت زده‌اند. به گفته معاون فنی گمرک در فاصله مهر تا آبان امسال در گمرک منطقه ویژه اقتصادی بوشهر چهار فقره اظهارنامه صادراتی نخل ثبت شده که در مجموع ۵۸۸ اصله نخل به وزن ۶۰۰ تن به ارزش ۱۳۶.۱ هزار دلار است. ارونقی گفت در صادرات نخل از گمرک بوشهر، با توجه به حساسیت کالای اظهاری، قبل از اتمام تشریفات گمرکی مسئولان وزارت جهاد کشاورزی استان بوشهر از آن بازدید کرده بودند و به گفته او این محموله‌ها بعد از اخذ مجوز لازم ازجمله قرنطینه نباتی و مجوز سازمان جهاد کشاورزی استان بوشهر و بارگذاری آن در سامانه جامع امور گمرکی صادر شده است. اما سؤال این است که چرا از روز اول مقام‌های گمرکی این اطلاعات را در اختیار رسانه‌ها نمی‌گذارند و فضا را غرق در ابهام و سؤال می‌کنند؟